

اشاره:

واسونک [Vasunak]، ترانه ای است که معمولاً زنان به آهنگی آرام و ملایم (کشدار) در مراسم گوناگون عروسی در شیراز و بیشتر شهرهای استان فارس می خوانند. این ترانه ها به صورت گروهی نیز خوانده می شود، بدین شیوه که یکی می خواند و ببا نوای آن دف و دایره می زند و دیگران ببا دستک زدن همراهی اش می کنند. در تنظیم و سونکها، ترتیب مراسم عروسی از خواستگاری تا پایان آن رعایت شده و می توان به وسیله آنها به چگونگی بریایی و آداب و رسوم گوناگون مراسم ازدواج در شیراز و بیشتر شهرستانهای فارس پی برد؛ اگرچه در نقاط مختلف ممکن است پاره ای اختلافها وجود داشته باشد. ناگفته نماند که در تمام این ترانه می توان به جای «داماد» یا «کاکا» کلمه برادر را گذاشت و به عکس.

واسونکها

واسونکهای زیر را در مراسم بله بران، خواستگاری و مقدمات عروسی می خوانند:

من و تو دختر ملا، من و تو تنگ^۱ طلا
جای ما بالا بندازین، شاه میات^۲ پیش شما
شازده دوما د نسه ملا، نی قلیونش طلا
خو دکشید، باباش کشید، داد به دس^۳ کدخدا
• شب یک و منزل^۴ هزار و چشم دوما د انتظار
یک عروسی سیت^۵ بیارم، در همین فصل بهار
• کل به کل^۶ پیوسته بود و جسم و جونم خسته بود
غم مخور ای شازده دوما د، زن تو گلده بود
• ما بگیم^۷ بگ زاده ایم و با بگون همساده ایم
زن بیدین^۸ و عز^۹ نیارین ما کلونتر زاده ایم

- واسونکهای زیر را هنگام رخت بران می خوانند:
- یل مخمل، یل مخمل، چارقده نقده^۱ می خوات
- کفش پای خانم عروس، پاشنه نقره می خوات
- قربون بالای بلندت، اونجا که خوندی نماز
- شال ترمه پهن بکن تا من بیارم جانماز
- شب شد و سایه سحر شد، خیاط کاکام نشس
- دس^۲ او را نقره گیرم رخت او را بخچه^۳ بس
- شازده دوما د رفته شیراز، بخزه توپ یراق^۴
- آی برادر! حرمتش پکن، تا دم شاه چراغ
- شب کم شبگیر کم تا قلف^۵ صندوق واکم
- صد تومن شاهی درآرم، خرج دوما دیت کم.

■ در مجلس عقد می خوانند و روی سر عروس و داماد نقل و نبات و سکه می ریزند:

- صد تومن دادم دعا و صد تومن بند دعا
- صد تومن دادم به لیلی تا نبات عقد شما
- شازده دوما د بون^۱ بلندی، پالتو مشکی تنش
- همگی گوین مبارک، می کنه عقد زنش
- اسب سبز زین مرصع من کاکام سوار کم
- از خدا صد وایه^۲ دارم، من کاکام دوما د کم
- هنگام حنابندان عروس و داماد خوانده می شود:
- یل مخمل فرنگی، آستر نقده می خواست
- زلف بور شازده دوما د، شونه نقره می خواست
- برق و برق زلفونت، دوما د مایه منزلت
- من حنا بندم سرت، داغت نبینه مادرت
- آی حنابندا! آی حنابندا! حنای مقبول پیند
- داغ فرزندان نبینی، با گل و ریحون نبیند

• دکتر صادق همایونی

واسونک

آی حنابندا! حنای مقبول بید داغ فرزندان نبینی، با گل و ریحون بید، چون تو در سما



- جون من و جون تو و جون من قربون تو
- جون تو دسمال بدوزم سی حنابندون تو
- آی حنابندا آی حنابندا! شب دیگه نصفه شده دَس و پای خانم عروس، عالمی خسته شده!

■ داماد می‌خواهد به حمام برود یا رفته است و در حمام است:

- آی حمومی، آی حمومی! آب حموم تازه کن
- شازده دوماذ میات حموم، شربتیش آماده کن
- کاکا جونیم، سر حموم، تنگ شربت دستشه
- نمی‌خوره نمی‌نوشه، انتظار زنشه
- کاکا جونیم، سر حموم جار نوکر می‌زنه
- حوله نرمی بیارین، باد به جونش نزنه
- یک جویون توی حموم، سیصد جویون دور حموم
- لاله‌ها^{۱۶} روشن کنین، تا در بیات سَلَب^{۱۸} روون

■ حجله می‌بندند:

- آی خدا و آی خدا ویی مزادی بردلم
- حجله رودم^{۲۰} ببندم، ای مراده حاصلم!
- اومدیم حجله ببندیم، نیمدیم سیل^{۲۱} بکنیم
- آتیش بنداز تو سماور تا چایی میل بکنیم!

■ حجله بسته شده و می‌خواهند دنبال عروس برونند:

- شب جمعه بی قضا، آفتاب زده دور فضا^{۲۲}
- ما می‌ریم عروس بیاریم، زیر سایه امام رضا
- نار شیرین نشکنین که ما نه مرد خوردنیم
- اسب عروس زین کنین که ما به شوق رفتنیم
- یک اطاق خالی کنین و فرش و گلکاری کنین
- گل میات خونه شما، گل را نگهداری کنین!

■ سوریها و افراد خانواده داماد وارد خانه عروس شده‌اند و

می‌خواهند او را ببرند:

- اومدیم و ببریم و گل سفید پمبه را

- مونس شبهای تاریک شبچراغ حجله را
- اومدیم و اومدیم و تا دم دروازه تون
- می‌شکنیم دروازه تون و می‌بریم شهزاده تون!
- سر بالا کن ماه نو، نیمسر بالا کن، ماه نوا
- امشب که می‌برن، خنده به ما کن ماه نوا!
- گل آوردیم، گل آوردیم مادرش گریون شده
- از صدای ناله اش مرغ هوا بریون شده

■ عروس لباس می‌پوشد، آرایش می‌کند و آماده رفتن به

خانه داماد است:

- خانم عروس، بی بی عروس، ای چی چی^{۲۳} دربرت
- ای خریرای سبزواره که خریده شوهرت
- امشبیم چارده شبه که بون ما پیش بون شده
- اشک چشم خانم عروس دسته ریحون شده

■ داماد منتظر است:

- شب شد و عروس نیومد چشم دوماذ انتظار
- خیر بی بینی ننه عروس، زود گل از خونه ت درآرا
- شب شد و عروس نیومد چل چراغون پاک سوخت
- غم مخور ای شازده دوماذ، شب شده مانند روز

■ عروس را به خانه داماد می‌برند:

- جینگ و جینگ ساز میات و از بالای شیراز میات
- غم مخور ای شازده دوماذ این حرم با ناز میاد
- کاسه چینی پر شکر، بالای سر خونه پدر
- چه خوشه خونه پدر، کاشکی نمی‌رفتم به در
- مادر خوش خلق و خوش رو بیا رودت می‌برن
- زر بده، زنجیل بده که شمع خونه ت می‌برن
- سوریا! نرین به کوچه کوچه‌ها پر شلیه^{۲۴}
- لاله‌ها بالا بگیرین، لب عروس گلیه^{۲۵}

■ عروس وارد خانه داماد می‌شود، در حالی که اسپند دود

کرده‌اند و آینه بزرگی را جلویش گرفته‌اند:



- بالاخونه رو به قبله، خشت و زیر خشتش طلا
- شازده دوماذ توش نشسته، می کنه شکر خدا!
- اومدیم و اومدیم و نگویین دیر اومدیم
- گل به دس، دستمال به جیب و شاد و خرم اومدیم
- اسب سبزم بلندم! تو چرا دیر اومدی؟
- راه دور و خرج سنگین، زن کا کا خوش اومدی!

- یک حمومی سیت بسازم، دم حموم باغشاه
- کیسه مالش مخمل سرخ، سنگ پاشویش طلا
- خانم عروس روی تخت و شازده دوماذ پای تخت
- زنده باشین هزدوتانون، گل بیچینین از درخت
- باغ بالا آو^۲ نبود و باغ پایین چشمه بود
- جومی^۳ از نقره بیارین، شازده دوماذ تشنه بود!

- عروس وارد خانه داماد شده و نشسته است:
- اُسامم سین^۴ باد ساز کن^۵ تا بگویم مرحبا
- دور سازت نقره گیرم تا کمر بندت طلا
- یک حمومی سیت بسازم در خونه حاج رضا
- سنگش از خلازه بیارم، آبش از امام رضا

- عروس و داماد در حجله اند:
- کی به حجله، کی به حجله، شازده دوماذ با زنش
- کی بگرده دور حجله، خواهر کوچکترش!
- کاسه چینی توی طاقچه، جار بلبل می زنه
- شازده دوماذ توی حجله بوسه بر گل می زنه!
- رختخواب مال کیه که سرشب برق می زنه؟
- شازده دوماذ توی حجله با زنش حرف می زنه!

- می خواهند عروس و داماد را به حجله بفرستند:
- عروسی شاهانه
- -ایشالا مبارکش کن! (دسته جمعی)
- جشن بزرگانه
- -ایشالا مبارکش کن! (دسته جمعی)



● پاش تورکاب دولته
- مبارکه ایشالا! (دسته جمعی)

● همه بیگین: مبارک!

- مبارک، مبارک، ایشالا! (دسته جمعی)

● شالا عروس خوشش بو

- ایشالا! (دسته جمعی)

● شالا دوماد خوشش بو

- ایشالا! (دسته جمعی)

● ننه دوماد خوشش بو

- ایشالا! (دسته جمعی)

● بوای^{۳۳} دوماد خوشش بود

- ایشالا! (دسته جمعی)

● شازده دوماد خوشش بو

- ایشالا! (دسته جمعی)

● جیش پرپول آبو

- ایشالا! (دسته جمعی)

● ایشالا عروس خوشش بو

- ایشالا! (دسته جمعی)

● شکم اول پس^{۳۴} آبو

● شکم دوم دغ^{۳۵} آبو

- ایشالا! (دسته جمعی)

■ واسونکهای زیر را معمولاً روز بعد از زفاف می خوانند:

● شازده دوماد یگه رفت و اسب خرید و مگه رفت

هم به مگه هم مدینه، زن گرفت و حجله رفت

● چه خوشه سایه جناار و چه خوشه عیش برار

چه خوشه بلبل بخونه اندرین فصل باهار!

● مجری نقره تو طاقچه، خانم غروس، او برش

می کشه و سمه به ابرو، لاله دس شوهرش

● آفتابه گردن طلا، مثل طلا برق می زنه

خانم عروس توی حجله گل به صورت می زنه

■ واسونکهای زیر را ممکن است در تمام مراسم بخوانند:

● سورمه بر چشم کیوتر، بوی گل حسن شما

جایی پیمون کرده ایم که خاک ما خون شما

● خانم عروس گیس بلند و توی گیت جوز و قند

پیش روی شازده دوماد کم بگو، شیرین بخند

● آسمون پرستاره شیشک طلا زده

شیردوماد با بزرگون خیمه در صحرا زده

● خوش به حال ننه دوماد پشت کفشش مخمله

می رود شربت بیاره، تا کمر بندش زره

● چارقذ گرد حریری بر سر حور و پری

هرکه از دولت می نازه، ما از خدای بالا سری!

● پانوشته:

■ توضیح پاره ای از واژه های محلی:

۱. ننگه: پارچه

۲. میات: می آید

۳. دس: دست

۴. منزل: جای فرود آمدن در سفر و مسافت بین دو توقفگاه مسافران

۵. سینته سی تو، برای تو

۶. کل: صدایی که زها در مراسم عروس و مزا از دهان خود برمی آورند.

۷. یگه: بیگه بزرگ، خان

۸. بیدین: بدهید

۹. غز: عطر

۱۰. نقره: مراد نقره دوزی یکی از صنایع دستی است.

۱۱. نیشجه: بقیچه لباس

۱۲. یراق: یراق دوزی نیز از صنایع دستی قدیم است.

۱۳. تلف: قفل

۱۴. یون: بام

۱۵. وایه: آرزو

۱۶. بازرون: بازوان هدایایی که از خانه داماد به خانه عروس فرستاده می شود.

۱۷. لاله پایه ای که در آن شمع می گذاشته اند، چراغ

۱۸. سلبه: همان «سرو» است که در گونی آوایی یافته است.

۱۹. خالی: قالی

۲۰. رود: فرزند عزیز

۲۱. سیل کرده: شاشا کرده، سیر کردن

۲۲. فضا: حیاط منزل

۲۳. پیمه: پنبه

۲۴. ای چی چیه: این چیست

۲۵. چل چراغونه: چهل چراغها، چراغهایی که از چهل شمع درست می شده است.

۲۶. شل: شل آب و گل

۲۷. گلی: به رنگ گل، سرخ

۲۸. آسام سین: استاد محمد حسین، از ساز و کرنا زنان توانا و هنرمند شیراز و از اهالی سروستان بوده است.

۲۹. باد ساز کن: در سازت بدم!

۳۰. آو: آب

۳۱. چوم: جام

۳۲. شالا خوشش بو: انشاء الله خوشش باد!

۳۳. بو: بابا، پدر

۳۴. پس: پسر

۳۵. دغ: دختر

۳۶. مجری: جمبه های کوچک چرمی که روی آن را نقره دوزی با طلا کاری می کرده اند.

۳۷. او برش: آن و دس، آن طرفش

■ توضیح: ترانه های این مقاله برگرفته از دو کتاب نویسنده مقاله است که سالهای

پیش به چاپ رسیده و اکنون ناپابند:

- ترانه هایی از جنوب، ۱۳۴۴، وزارت فرهنگ و هنر

- یک هزار و چهارصد ترانه محلی، ۱۳۴۸، کانون تربیت شیراز

